

تحلیلی بر رویکرد تاریخی به توسعه سیستم خطمشی‌گذاری عمومی؛ مبانی

نظری و اسلوب اجرا

محمد مهدی شاه‌آبادی *

علی اصغر پورعزت **

حسن دانایی‌فرد ***

رحمت‌الله قلی‌پور ****

چکیده

حکومت‌ها برای مدیریت مسائل عمومی فرارو، دستگاهی با عنوان «خطمشی‌گذاری عمومی» طراحی کرده‌اند که برای طراحی خطمشی‌های عمومی از شیوه‌ها و فنون بسیاری بهره می‌گیرد. استفاده از تجربه‌های خطمشی‌ای حکومت‌های پیشین داخلی و همچنین سایر کشورها از جمله روش‌های متداول چنین رویکردی است. اما پژوهشگران عرصه خطمشی عمومی، به ندرت «تاریخ» را به منزله ابزاری برای کمک به حل مسائل عمومی مد نظر قرار داده‌اند. این مقاله با تمرکز بر نقش تجربه در مدیریت و همین‌طور در خطمشی‌گذاری عمومی، مبانی و چارچوب اجرایی روش‌شناسی تاریخی در خطمشی‌گذاری عمومی را تحلیل و تبیین می‌کند و تاریخ را به منزله «تجربه تاریخی» در مقام ابزار تحلیل مسائل عمومی واکاوی می‌کند. موضوع «تعمیم‌پذیری» نتایج تحقیق تاریخی برای پژوهش‌های علوم اجتماعی نیز از دو دیدگاه مورخان و دانشمندان علوم اجتماعی تحلیل و مدلی ترکیبی برای چگونگی تعمیم نتایج این‌گونه پژوهش‌ها ارائه می‌شود. در نهایت، به عنوان نمونه، این روش بر روی یک مورد تاریخی (بررسی الگوی تحول دانش در حوزه تمدن اسلامی؛ نهضت ترجمه) اجرا می‌شود.

واژگان کلیدی: خطمشی‌گذاری عمومی، تاریخ، تعمیم‌پذیری و تحول دانش.

* دانشجوی دکتری خطمشی‌گذاری عمومی دانشگاه تهران؛ (نویسنده مسئول مکاتبات) Email: mm.shahabadi@gmail.com

** استاد دانشگاه تهران Email: pourezzat@ut.ac.ir

*** دانشیار دانشگاه تربیت مدرس Email: hdanaee@modares.ac.ir

**** دانشیار دانشگاه تهران Email: rgholipor@ut.ac.ir

مقدمه

برای «مدیریت» تعریف‌های متنوعی ارائه شده است^۱. در تعریفی مجمل می‌توان مدیریت را «علم و هنر به‌کارگیری بهینه منابع برای دستیابی به هدف^۲» دانست. بخشی از مدیریت که ناشی از مطالعات علمی برای یافتن مناسب‌ترین راه اداره سازمان است، «علم مدیریت» خوانده می‌شود که قابل آموزش علمی است. بخش دیگر مدیریت که بر به‌کارگیری ماهرانه آن در میدان عمل دلالت دارد، نتیجه استعداد، تمرین و تجربه مدیر است و از این رو «هنر مدیریت» نامیده می‌شود.

یکی از راه‌های اصلی برای یافتن راه بهینه برای بهره‌برداری از منابع، استفاده از «تجربه‌های عملی»^۳ است. ماهیت دوگانه علمی و عملی مدیریت چنین اقتضایی دارد که تجربه‌های عملی نیز مطالعه و استفاده شود. در بعد نظری، مفهوم‌ها، نظریه‌ها، تعریف‌ها، فن‌ها و راه‌کردها مرور و در بعد عملی، دو گونه تجربه مطالعه می‌شوند:

الف. تجربه‌های شبیه‌سازی شده از طریق موردکاوی‌ها، ایفای نقش یا نظایر آن؛

ب. تجربه‌های واقعی فرد، به عنوان مدیر (رضائیان، ۱۳۸۷، ص ۱۷).

به این ترتیب، یکی از تأکیدهای اصلی در مدیریت، پرهیز از تکرار اشتباهات خود و دیگران و استفاده از روش‌های آزمون شده و موفق برای حل مسائل مدیریتی است. در غیر این صورت پژوهشگران مجبور می‌شوند که بارها مسائلی را که پیشتر حل شده‌اند، برای دستیابی به روش‌های موفق آزمون، و هزینه‌های هنگفت مالی، زمانی و انسانی این تجربه‌های تکراری را تحمل کنند. در همین راستا روش‌های گوناگونی برای مستندسازی^۴ و استفاده سامان‌مند^۵ از تجربه‌های گوناگون مدیریتی تدوین شده است. بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش^۶ که در غالب پژوهش‌های مدیریتی جزء ثابتی را تشکیل می‌دهد، اساساً به معنای مرور بر پژوهش‌های دیگران و تجربه‌های

۱. مدیریت هنر انجام کارها با به‌وسيله افراد در گروه‌های سازماندهی شده رسمی است (کوتنز، ۱۹۱۴)؛ مدیریت یعنی هنر انجام دادن امور به‌وسيله دیگران (مری پارکر فالت، ۱۹۱۸)؛ مدیریت عضوی از اجتماع است که مسئولیت ویژه آن ایجاد بهره‌وری منابع می‌باشد (دراکر، ۱۹۵۴، الوانی، ۱۳۸۵، ۱۷-۱۸).

۲. در این تعریف، «بهینه‌سازی» در برابر واژه «کارایی» (Efficiency) و «دستیابی به هدف»، در برابر واژه «اثربخشی» (Effectiveness) قرار داده شده است.

3. Practical Experiences

4. Documentation.

5. Systematic.

6. Literature Review.

آنها در حل مسائل مشابه است تا بر پایه پژوهش‌ها و تجربه‌های پیشین و در صورت عدم کفایت آنها برای حل مسئله مورد بررسی، پژوهش‌های تکمیلی صورت گیرد. هر پژوهشی در پیوستاری جا می‌گیرد؛ در این معنا که از کارهای پژوهشی قبلی اثر می‌پذیرد و در کارهای بعدی اثر می‌گذارد (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۸، ص ۳۸).

دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی اهمیت تاریخ را در مطالعه موردکاوی‌های مربوط به تصمیم‌گیری دریافته‌اند (گراهام^۱، ۱۹۸۳، ص ۱۰). «مدیریت دانش»^۲ نیز به مستندسازی «دانش ضمنی و صریح»^۳ موجود در سازمان می‌پردازد تا با تبدیل کردن آنها به دانش صریح و مکتوب، راه تکرار اشتباهات و از بین رفتن روش‌های موفق آزموده‌شده در سازمان را ببندد (کینگ^۴، ۲۰۰۹، ص ۴). «الگوپردازی»^۵ نیز به‌عنوان روشی مورد استفاده برای الگوگیری از رویه‌ها، فراگردها و روش‌های سازمان‌های موفق و برتر، دارای ادبیات گسترده‌ای در مدیریت است (شناخت بهترین عملکرد و الگوگیری از آن)^۶ (دراگولیا و کوتیرلیا^۷، ۲۰۰۹، ص ۸۱۳). برخی از مزایایی که کارسون و کارسون^۸ در مقاله خود برای استفاده از تاریخ در مدیریت ذکر کرده‌اند، عبارتند از:

پیمودن تاریخی تکامل مفاهیم، تکنیک‌ها و اعمال مدیریت معاصر؛
 نشان دادن راه درس گرفتن از اشتباهات گذشته در حوزه مدیریت؛
 ارزشیابی مجدد نسخ‌های تاریخی بر پایه دانش فعلی؛
 وحدت‌بخشی به بدنه پراکنده ادبیات علم؛
 رد کردن افسانه‌های پذیرفته‌شده کنونی مدیریت از طریق به‌کارگیری پژوهش تاریخی مدیریت (کارسون و کارسون، ۱۹۹۸، صص ۲۹-۴۲).

1. Graham.

2. Knowledge Management.

3. Tacit and explicit knowledge.

4. King.

5. Benchmarking.

6- جمله جکسون گرایسون، رئیس سابق مرکز کنترل کیفیت و بهره‌وری آمریکا که یکی از جمله‌های معروف مورد استناد در ادبیات محک‌زنی است قابل توجه است. وی می‌گوید: «زمانی که می‌توانم از دیگران نحوه ساختن چرخ را یاد بگیرم، چرا باید چرخ را دوباره اختراع کنم؟» (الموتی و کاتاوالا، ۱۹۹۷، ص ۲۲۹).

7. Dragolea and Cofrlea.

8. Carson and Carson.

در یک دسته‌بندی ابتدایی می‌توان تجربه‌های مورد استفاده در پژوهش‌های مدیریتی را با دو بعد تحلیل کرد:

الف. بعد سطح تحلیل: تجربه‌های مورد استفاده برای حل مسائل مدیریتی می‌تواند در سه سطح مورد استفاده قرار گیرد: سطح خرد^۱ (فردی)؛ سطح میانی^۲ (سازمانی)، سطح کلان^۳ (ملی یا فراملی).

ب. بعد زمان: برخی تجربه‌های مورد استفاده در مدیریت در زمان معاصر قرار دارند و برخی نیز به زمان‌های دورتر مربوط می‌شوند و ماهیت تاریخی^۴ دارند. به دلیل بالا رفتن تفاوت‌ها در موارد تاریخی، استفاده از تجربه‌های تاریخی در مقایسه با تجربه‌های معاصر نیازمند ملاحظات بیشتری است (نیومن، ۱۳۹۰، ص ۴۱۲-۴۲۰). زیرا تعمیم‌های بی‌جا موجب پیچیده‌تر شدن فراگردهای حل مسئله می‌شوند.

به این ترتیب، می‌توان جدول زیر را در مورد انواع تجربه‌های قابل استفاده در مدیریت استخراج کرد:

معاصر	تاریخی	
نوع ۲	نوع ۱	سطح خرد (فردی)
نوع ۴	نوع ۳	سطح میانه (سازمانی)
نوع ۶	نوع ۵	سطح کلان (ملی / فراملی)

جدول ۱: انواع تجربه‌های قابل استفاده در مدیریت

بیشتر پژوهش‌های مدیریتی در «سطح سازمانی» تمرکز دارند. اساساً سطح خرد (مدیریت فردی) در سال‌های اخیر بیشتر در ضمن مباحث رهبری و رفتار سازمانی مطرح شده است (رضانیان، ۱۳۸۵، اصغری و دیگران^۵، ۲۰۱۱). از این‌رو بیشتر پژوهش‌های مدیریتی را می‌توان در

1. Micro (personal).
2. Meso (Organizational).
3. Macro (National/International).
4. Historical Experiences.
5. Asghari & et. al.

خانه ۴ قرار داد.

اما اگر مدلول اصطلاح تاریخ، دوره زمانی دورتری نسبت به تاریخ معاصر باشد، پژوهش‌های مدیریتی خاص‌تری در این بازه زمانی وسیع مد نظر قرار می‌گیرند. برای نمونه، پژوهش درباره مطالعات رهبری رهبران بزرگ دنیا و شناسایی سبک‌های رهبری‌شان می‌تواند به ده‌ها سال قبل بازگردد. همچنین در مطالعات مرتبط به رهبران بزرگ ادیان و بررسی سبک‌های مدیریت و رهبری آنها - که امروزه تحت عناوینی مانند رهبری معنوی^۱ و رهبری خدمتگزار^۲ جریان دارد - به صدها و بلکه هزاران سال قبل می‌رسد (برای مثال ر.ک. پورعزت، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۹؛ بلانچارد، ۱۳۸۹ و اسمیت^۳، ۲۰۰۵). همچنین مستندسازی تجربه‌های بسیار کهن ملل در اموری مانند تعیین استراتژی سابقه طولانی دارد (فو^۴، ۲۰۰۷، ص ۱۵۴).

مطالعات سطح کلان نیز بیشتر در قلمرو رشته‌های مدیریت دولتی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل قابل طرح و بحث است. از جمله موارد قابل استناد مربوط به مطالعه تاریخی در سطح کلان (خانه ۵ و ۶ از جدول ۱)، مطالعه الگوهای حکمرانی حکومت‌های گذشته در مدیریت دولتی است. به عنوان نمونه پژوهش درباره نحوه حکمرانی حکومت‌های هخامنشیان، سامانیان، صفویه، قاجار و پهلوی در ایران در رشته‌های مدیریت دولتی، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی استفاده شده است (ر.ک: فرهنگی و دیگران، ۱۳۸۶ و طاهری، ۱۳۸۵)، یکی دیگر از نمونه‌ها، مطالعه تاریخی چین برای خط‌مشی‌گذاری کنونی است (گانگ‌وو^۵، ۲۰۰۷، ص ۶۱-۶۶). همچنین گاه برای تبیین وضع کنونی سازمان و مدیریت نیز از مطالعه تاریخ استفاده می‌شود^۶.

1. Spiritual leadership.

۲. به بیان بروئر، شالوده‌های فلسفی رهبری خدمتگزار (Organization Servant Leadership) از هزاران سال پیش وجود داشته است (۲۰۱۰، ص ۲).

3. Smith.

4. Foo.

5. Gungwu

۶. مانند تلاش جهت تبیین نهادی نحوه شکل‌گیری ساختارهای هیدرولیک در ایران، که با رویکردی تاریخی به موضوع پرداخته است: (قلی‌پور و پورعزت، ۱۳۹۰).

استفاده از تجربه در حل مسائل عمومی

«خط‌مشی عمومی»^۱ تصمیمی به نسبت پایدار است که در قبال یک مسئله عمومی^۲ اتخاذ می‌شود (ر.ک. قلی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۹۶). از این‌رو می‌توان خط‌مشی‌گذاری عمومی را شاخه‌ای از اداره امور عمومی دانست که تمرکز آن بر حل مسائل عمومی (و نه سازمانی) است. از این‌رو مباحث مربوط به استفاده از تجربه برای حل مسئله در مدیریت، با توجه به ابعاد مسئله عمومی، می‌تواند در خط‌مشی‌گذاری عمومی مورد استفاده قرار گیرد.

تجربه دولت‌ها، می‌تواند در مراحل گوناگون چرخه خط‌مشی‌گذاری، از تدوین گزینه تا ارزشیابی و اجرای آن مورد استفاده قرار گیرد.^۳ استفاده از مقایسه‌های بین‌المللی می‌تواند در فراگرد خط‌مشی‌گذاری اثر مثبت بگذارد و به خصوص خط‌مشی‌گذاران را به سمت راه‌حل‌های جدید برای مسائل و سازوکارهای جدید برای اجرای خط‌مشی و ارتقای ارائه خدمات خط‌مشی کمک کند (همیلتون^۴، ۲۰۰۲، ص ۲۴). مرور خط‌مشی‌های پیشین می‌تواند خط‌مشی‌گذار را در پرسش از راه‌حل‌های پذیرفته‌شده خط‌مشی یاری کند و گزینه‌های بیشتری را در مواجهه با مسائل کنونی خط‌مشی باز نماید (پوستنوت^۵، ۲۰۰۹). زمانی که تجربه قبلی به هیچ وجه کافی نیست خط-مشی‌گذاران باید شروع به جستجوی سنجی‌ای بکنند که به کار می‌آید (رز، ۱۳۹۰، ص ۱۳). پژوهش‌های بسیاری درباره نحوه استفاده از تجربه‌ها در خط‌مشی‌گذاری انجام شده است. این مطالعات بیشتر بر روی یادگیری از دیگر خط‌مشی‌های پیاده شده در سایر کشورها تمرکز یافته‌اند (وولمن^۶، ۲۲۰، استادلر^۷، ۲۰۰۴). امیری و دیگران، در پژوهش خود این حوزه را شناسایی و آن را در شش دسته طبقه‌بندی کرده‌اند:

1. Public Policy-making.

۲- در مورد چپستی «مسئله عمومی» میان صاحب‌نظران اتفاق نظر کامل وجود ندارد. مجموعه‌ای از ویژگی‌ها برای تعریف مسئله عمومی (Public Problem) بر شمرده شده است: مسأله‌ای که به تعداد زیادی از انسان‌ها مربوط می‌شود، بدون مشارکت جمعی آنها یا نهادهای اجتماعی کاملاً حل نمی‌شود، ممکن است کل جامعه را درگیر سازد و افراد مبتلا به آن بدون مشارکت دیگران نتوانند از عهده حل آن برآیند (پور عزت، ۱۳۹۰، ص ۲۱۱).

۳- مانند بازنگری‌های خط‌مشی‌های حمل و نقل عمومی ایران با استفاده از تجربه‌های سایر کشورها.

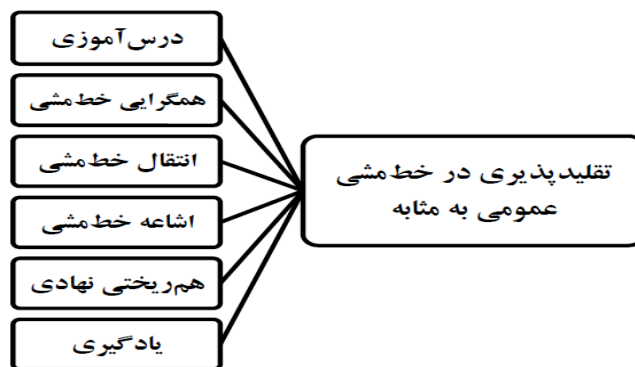
(ر.ک: <http://www.ecnn.ir/mobile/shownewsmobile.aspx?id=947>)

4- Hamilton.

5- Postnote.

6 Wolman

7 Studler



شکل ۱: گونه‌شناسی ماهیت تقلید در خط‌مشی (امیری و دیگران، ۱۳۹۰)

البته نحوه درس‌آموزی از خط‌مشی‌ها یکسان نیست. ریچارد رز برای استفاده از تجربه‌های خط‌مشی‌گذاری از سایر کشورها، الگوی «درس‌آموزی» را ارائه کرده است (۱۳۹۰، ص ۱۱). وی استفاده از تجربه‌های دیگر کشورها را کاری ظریف و دارای مراحل دقیق می‌داند. نکته مورد استفاده آن است که کار رز در خانه ۴ جدول ۲ قرار می‌گیرد. به‌رغم آنکه تجربه‌های مورد اشاره رز مربوط به زمان معاصر است، انواع درس‌آموزی از نگاه وی عبارتند از:

برنامه‌ای که در حوزه جغرافیای قانونی دیگری اعمال می‌شود، به صورت تقریباً دست‌نخورده تصویب می‌شود.	رونویسی ^۱
برنامه‌ای که در حوزه جغرافیای قانونی دیگری اعمال می‌شود، با تفاوت‌های زمینه‌ای و محیطی سازگار می‌شود.	اقتباس ^۲
عناصر برنامه‌های دو جغرافیای متفاوت ترکیب می‌شوند.	ایجاد برنامه هیوندی ^۳
عناصر مشابه از برنامه‌های تعدادی از جغرافیاهای متفاوت ترکیب می‌شوند و برنامه جدیدی را ایجاد می‌کنند.	تلفیق ^۴
از برنامه‌های جغرافیاهای دیگر، به منزله ابزارهای فکری استفاده می‌شود	الهام گرفتن ^۱

1. Copying.
2. Adaptation.
3. Making a Hybrid.
4. Synthesis.

تا برنامه‌ای جدید تدوین شود.

جدول ۲: انواع درس‌آموزی از خط‌مشی (رز، ۱۹۹۳، ص ۳۰؛ برگرفته از امیری و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۰)

بیشتر خط‌مشی‌های دولت‌ها به نحوی ادامه خط‌مشی‌ها و فعالیت‌های گذشته است. در شرایط طبیعی از زاویه نگرش‌های موجود نسبت به مسائل خط‌مشی توجه می‌شود (هاولت و رامش، ۱۳۸۰، ص ۲۹۷). به بیان دیگر چرخه خط‌مشی، ارزشیابی خط‌مشی‌های پیشین، زمینه را برای اصلاح آنها و یا تدوین خط‌مشی‌های جدید فراهم می‌کند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹).

رویکرد تاریخی به خط‌مشی‌گذاری عمومی

آنچه ما «تاریخ خط‌مشی»^۲ می‌نامیم چه معنایی دارد؟ کلی^۳ بیان کردن تاریخ آنچه را که دولت‌ها می‌گویند و انجام می‌دهند، «تاریخ خط‌مشی» می‌داند. این تعریف به تعریف کلاسیک خط‌مشی (آنچه دولت‌ها انجام می‌دهند یا انجام نمی‌دهند) بسیار نزدیک است. بیشترین چیزی که مورخان از گذشته انجام داده‌اند، آماده‌کردن شرح‌های قابل اتکا از تصمیم‌های بزرگ عمومی و تلاش‌های انجام‌شده برای اثربخش کردن آنها بوده است. ما تاریخ رویدادهای بزرگ حکومت‌داری را می‌نویسیم (کلی، ۱۹۸۸، ص ۳۸). همچنین پیرسون بیان می‌کند که تاریخ به یکی از دو نوع زیر بررسی و استفاده می‌شود:

مطالعه برخی چیزهایی که در نقطه‌ای از زمان در گذشته روی داده است؛

به معنای مطالعه اینکه چیزی چگونه به این صورت درآمده است (پیرسون^۴، ۲۰۰۵، ص ۳۴).

اما هنگامی که مورخان فقط بر روی «محتوای خط‌مشی» تمرکز نمی‌کنند؛ بلکه بر روی «فراگرد شکل‌گیری و انتخاب و اجرای آن» نیز توجه می‌کنند، به نظر می‌رسد که آنها به‌عنوان مورخان خط‌مشی در کامل‌ترین معنای آن قرار گرفته‌اند. زیرا هنگامی که ما این فراگرد را مطالعه می‌کنیم، خود را بر بالای موضوع بحث‌انگیز خاصی قرار می‌دهیم و آنچه را که در تجربه بشری جهانی است، مورد آزمون و بررسی قرار می‌دهیم. لذا نتیجه کار ما اجتناب از محلی‌گرایی^۵ و

1. Inspiration.
2. policy history.
3. Kelley.
4. Pierson.
5. Parochialism.

ایجاد مشارکت‌هایی برای دانش عمومی است (کلی، ۱۹۸۸، ص ۳۵-۳۹). به‌رغم آنکه اساساً هر نوع تصمیم‌گیری به‌شدت به رویدادهای گذشته و تحلیل آنها گره خورده است؛ اما سنجش گذشته بسیار کمتر از سنجش شرایط حال و آینده مورد توجه قرار می‌گیرد (گراهام، ۱۹۸۳، ص ۹). با وجود پذیرش عمومی این ایده که گذشته منافع ملموسی ایجاد می‌کند، مورخان دانشگاهی معمولاً نسبت به استفاده «درس‌ها» از تاریخ برای قلمروهای خط‌مشی عمومی و بازرگانی بی‌میل هستند (هرش^۲، ۲۰۱۱، ص ۶). تا جایی که می‌توان ادعا کرد که «تاریخ خط‌مشی»^۳ هویت خود را پیدا نکرده است. مرور تجربه پنجاه سال گذشته و تحقیق بر روی عرصه‌های کاربردی تاریخ نشان می‌دهد که مورخان به‌ضرورت در حاشیه جهان حرفه‌ای گسترش یافته تحلیل‌های خط‌مشی قرار دارند که به تصمیم‌گیران مشاوره می‌دهند (استرنز و تار^۴، ۱۹۹۳، ص ۶۳).

در واکاوی دلایل وضعیت حاشیه‌ای تاریخ در نسبت با خط‌مشی عمومی دلایل متعددی همانند درک نشدن نقش تجزیه و تحلیل در پژوهش تاریخی (پوستنوت، ۲۰۰۹، ص ۴)، کم‌توجهی مورخان به نقش ویژه‌شان در فراگرد خط‌مشی، (بدی^۵، ۲۰۱۰، ص ۱)، مشکل واحدهای درسی آموزشی مدیریت فاقد درس تاریخ (استرنز و تار، ۱۹۹۳، ص ۶۳) مطرح شده است.

با این وجود، تقریباً هر کسی که درباره «امور عمومی»^۶ می‌اندیشد یا می‌نویسد، از نیاز به وارد کردن نوعی فهم تاریخی در کارش به خوبی آگاه است (استنفورد، ۱۳۸۷، ص ۶۷). حکومت‌های متولی خط‌مشی‌گذاری اجتماعی و اقتصادی می‌خواهند بدانند که سیاست‌های آنها چه آثار کلانی در پی خواهد داشت. ما نباید تاریخ کلان را صرفاً به دلیل دشوار و کلی بودن کنار بگذاریم. در راستای حکومت‌گری خوب و اداره مناسب امور جامعه باید به این نوع تاریخ میدان دهیم (مکالا، ۱۳۸۷، ص ۸۴).

بنابراین، تلاش جهت یافتن راهکارهایی برای وارد کردن تاریخ به خط‌مشی‌گذاری انجام شده

1. Lessons.
2. Hirsh.
3. Policy History.
4. Stearns and Tarr.
5. Beddie.
6. Public affairs.

است. به این منظور تعدادی از پژوهشگران بر داشتن مزایای متعدد به‌کارگیری دیدگاه و داده‌های تاریخی در مراحل گوناگون خط‌مشی‌گذاری تأکید کرده‌اند. امروزه خط‌مشی‌گذاران می‌توانند از «موردهای تاریخی»^۱ درس‌های مفیدی یاد بگیرند. آنها می‌توانند از موفقیت‌های گذشته درس بگیرند و اشتباهات گذشته را تکرار نکنند (پوستنوت، ۲۰۰۹، ص ۱).

افلند^۲ بیان می‌کند که در میان گذشته و آینده قرار گرفتن می‌تواند دارای ریسک باشد؛ اما غیر ممکن نیست که با ادغام آن دو، دانشی از طریق مطالعه معاصر و تاریخی برای ارتقای فهم هر دو به دست آید. ترکیب ماهرانه رویه‌ها و یافته‌های تاریخ خط‌مشی با روش‌ها و نتایج تحلیلی خط-مشی می‌تواند هم‌افزایی را به همراه ارزش زیادی برای هر دو رشته تولید کند (۲۰۱۲).

سویت^۳ نیز معتقد است مطالعه تاریخی، دانش‌پژوهان رشته خط‌مشی و همچنین جامعه را در سطح وسیعی توانمند می‌سازد تا از ریشه‌ها و الگوهای تغییر درکی پیدا کنند. چنین مطالعاتی رشته را به گذشته خودش و به دیگر رشته‌ها پیوند می‌زند. مطالعه تاریخی کمک می‌کند که هویتی برای رشته از طریق این ایده که از کجا بوده و چیست، فراهم کند. این پژوهش می‌تواند در راستی‌آزمایی و ترکیب فرضیه‌ها استفاده شود و نتیجه تجمعی موجب رشد تئوری می‌شود (۱۹۸۰، ص ۵۲-۵۸). هِرش نقش مورخان را این‌گونه بر می‌شمارد: «مورخان در برخی موارد می‌توانند بصیرت‌هایی را در مورد دلایل چرایی پیشنهاد دهند. در مجموع، آشنایی با طیف وسیعی از مطالعات موردی تاریخی می‌تواند خط‌مشی‌گذاران را برای مجموعه وسیع‌تری از شرایط و وضعیت‌هایی که می‌تواند بر موفقیت تکنولوژی‌ها و خط‌مشی‌های انرژی اثر بگذارد، حساس سازد» (هرش، ۲۰۱۱، ص ۶). گراتان^۴ جایگاه گذشته را در یادگیری از اشتباهات پیشین ارزشمند می‌داند: «گذشته میراث ما است و می‌تواند ما را توانمند یا متوقف سازد، اما فهم آن می‌تواند در فرصت‌هایی که ما اشتباهات را تکرار نکنیم یاری دهد. دانش گذشته می‌تواند افعال آینده ما را آگاهانه سازد همان‌طور که ضروری است تفسیر تاریخ بر پایه قضاوت‌های و تکنیک‌های کامل تاریخ‌نگاری بنا شده باشد (۲۰۰۸، ص ۱۷۴).

1. Historical cases.

2. Effland.

3. Savitt.

4. Grattan.

حتی اگر امکان پیش‌بینی و درس‌آموزی دقیق از تاریخ ممکن نباشد، باز هم فهم تاریخی در هر طرحی برای اصلاح و توسعه ضروری است (فیلیپس^۱، ۲۰۱۴، ص ۸۱).

بدی دو قابلیت متمایز تاریخ را برای خط‌مشی‌گذاران به این شکل بیان می‌کند:

۱. پادزهری برای تفکر کوتاه‌مدت و از دست دادن حافظه نهادی: در اینجا ارزش افزوده عبارت است از توانایی برای دیدن مسائل در یک پیوستار به جای دیدن آنها به عنوان یک بحران که تنها امروز یا دیروز آغاز شده است. گزینه مورخان اقتضا می‌کند که پرسند: داستان چیست؟ چه الگوهای ظهور می‌کنند؟ چیزها چگونه امروز با گذشته متفاوت یا شبیه هستند؟ چنین تجزیه و تحلیل‌هایی می‌تواند راه‌های بدیل پاسخ دادن به مسئله یا پرسیدن سؤالات متفاوت را پیشنهاد دهد؛
۲. رشته تاریخ می‌تواند مهارت‌های تحلیلی قوی را ترویج کند؛ با تفکر درباره زمینه و احتمال وقوع، با توجه به پیچیدگی و محدودیت‌های تلاش انسانی، مورخان می‌توانند به خط‌مشی‌گذاران کمک کند تا از خطرهایی مانند تعریف مسئله بر حسب راه‌حل مورد نظر یا غفلت نسبت به موضوعاتی که با اقدامات ترجیح داده شده انطباق ندارند، اجتناب کنند. آنها همچنین می‌توانند احتیاط بزرگتری را در استخدام قیاس تاریخی غنی سازند؛ لذا این سیاست‌مداران فقط از تاریخ برای توجیه اقدامات خود درس نمی‌گیرند؛ بلکه به عنوان تابلو راهنمایی از تفاوت بهره می‌گیرند (بدی، ۲۰۱۰، ص ۱).

فهم تاریخ تا حدودی فهم کنونی را شکل می‌دهد. پژوهش تاریخی می‌تواند برای از میان بردن افسانه‌ها یا بدفهمی‌های عمومی درباره گذشته کمک کند و ما را مطمئن سازد که خط‌مشی‌کنونی بر پایه فهمی آگاهانه بنا شده نه بر پیش‌فرض‌های نادرست (پوستنوت، ۲۰۰۹، ص ۱).

پیرسون نیز اشاره می‌کند که یکی از فواید مهم نگاه تاریخی به خط‌مشی، شناخت چگونگی تکوین و توسعه خط‌مشی‌هاست. وی در کنار دو نگاه غیرتاریخی به خط‌مشی (رویکرد تصویب خط‌مشی، رویکرد تصویر لحظه‌ای)، رویکرد تاریخی را مطرح می‌کند؛

رویکرد بررسی چگونگی تصویب خط‌مشی^۲: یعنی بررسی زمان‌های انتخاب خط‌مشی؛ این رویکرد از موردکاوی‌های مبارزات خط‌مشی فردی برای گسترده کردن مطالعاتی استفاده می‌کند که بررسی می‌کنند چگونه طیفی از عوامل بر روی بهره‌وری قانونی اثر می‌گذارند؛

1.-Phillips.

2. Policy Enactment.

رویکرد تصویر لحظه‌ای^۱ (کشف عملیاتی نقاط شروع): به عنوان رویکردی بدیل، یک تحلیلگر ممکن است به طور بازگشتی از خط‌مشی‌های موجود برای فهم اینکه چرا آنها چنین فرمی گرفته‌اند تلاش کند؛

رویکرد تاریخی: تاریخ به عنوان جایی برای بررسی‌های جدی چگونگی رخ دادن خط‌مشی در طول زمان؛ فراگردهای اجتماعی واقعی به طور متمایزی بعد زمانی دارند. باز کردن و کشف این بعد می‌تواند منجر به سنجش عرصه‌های مهم پژوهش و عملکردهای مباحثه‌ای در راه‌های جدید و پرثمر باشد. غالباً ما به فرضیه‌های جدیدی هدایت می‌شویم که موضوعات مهم و احتمالات مهیجی را برای پژوهش‌های نظری موجود باز می‌کند. تمرکز بر اینکه فراگردهای اجتماعی چگونه در طول زمان شکل می‌گیرند، پرسش‌های جدیدی را پیشنهاد می‌دهد و نتایج مورد علاقه جدیدی را آشکار می‌کند؛ سوالات و نتایج به هم مرتبط می‌شوند اما جدا از هم و آنها توجهی به خطوط موجود پژوهش می‌دهند (پیرسون، ۲۰۰۵، ص ۳۴).

استفاده از تاریخ برای شناخت چگونگی توسعه خط‌مشی غالباً اشارت‌های مهمی برای موضوعات بحث انگیز فعلی دارد. حتی مهم‌تر اینکه این تاریخ غالباً برای رفتار کنونی نیز فایده زیادی دارد؛ چرا که لحظه خاصی را در درون یک فراگرد پویای بزرگ‌تر قرار می‌دهد. نکته اصلی برای توسعه آن است که بدانیم جهان اجتماعی با فراگردهایی که در طول زمان شکل می‌گیرند مشخص می‌شود. مطالعه حال به عنوان تصویر لحظه‌ای از قطعه‌ای از زمان می‌تواند آنچه را که ما می‌توانیم ببینیم نابود کند و اینکه ما چگونه می‌توانیم آن را از راه‌هایی برجسته و والا بفهمیم، دور کند (پیرسون، ۲۰۰۵، ص ۳۴).

گراهام بحث می‌کند که روش تفکر تاریخی می‌تواند در خط‌مشی‌گذاری بسیار موثر باشد. «فایده اصلی تفکر تاریخی در مهارت برای جستجوی فرمول‌ها یا مدل‌های گذشته نیست؛ بلکه در روش‌های خاص تفکری که در میان تاریخ‌نگاران متداول است، قرار دارد. این نوع تفکر در واقع مهارت در دو بعد تفکر انسانی است؛ «بعد زمان» و «بعد زمینه» که ممکن است افقی یا عمودی شناخته شود.

بعد زمان: اولین ایده که در گروه‌های اجرایی خط‌مشی‌گذاری در بخش عمومی یا خصوصی

1. snapshot.

وجود دارد، ناشی از حساسیت آموخته شده نسبت به تغییر و پیوستگی است. در طول زمان ما در کجای تاریخ قرار داریم؟ تاریخ‌نگار این سوال را در میانه بحث قرار می‌دهد. تاریخ به ما کمک می‌کند نرخ‌های تغییر را به حساب آوریم و بپذیریم که چه زمانی موقعیت برای جنبش و نوآوری آماده است یا موقعیت در برابر تغییر بسته است.

بعد زمینه: یعنی اینکه همه چیز را به شکل یک کل ببینیم. سایر علوم انسانی بیشتر انرژی خود را بر روی جعبه‌هایی از ایده‌ها، سازمان‌ها، بازارها یا سیاست‌ها قرار می‌دهند. ما باید کل اجتماع را در نظر بگیریم که به هم مرتبط است (گراهام، ۱۹۸۳، ص ۵-۱۹).

با توجه به گستردگی مزایای استفاده از تاریخ در خط‌مشی‌گذاری عمومی، تلاش‌های بسیاری برای تقویت جایگاه تاریخ انجام شده است. پیرسون تأکید می‌کند که دانشجویان تاریخ خط‌مشی باید به شکلی قوی با تمایل به جدا کردن مطالعه گذشته از مطالعه حال - که منجر به تمایز شدید میان دانشجویان تاریخ خط‌مشی و دانشجویانی که خط‌مشی‌های معاصر را مطالعه می‌کنند، شده است - اعتراض کنند (۲۰۰۵، ص ۳۴).

فیلیپس می‌گوید ضروری است که روش‌های پژوهش تاریخی در کنار سایر مهارت‌های روش‌شناختی انجام شود (۲۰۱۴، ص ۸۱).

استرنز و تار نیز پیشنهاد‌های زیر را مطرح کرده‌اند: آموزش خط‌مشی مرتبط؛ پژوهش مشتری-محور؛ ترجمه مؤثر پژوهش به گونه‌ای که بتواند به درستی از سوی خط‌مشی‌گذاران هضم شود؛ تشکیل سمینارهای گروهی مسئله‌محور (۱۹۹۳، ص ۶۳-۶۷).

راه‌حل دیگر برای رفع این مشکل، تأسیس مراکز و مجله‌های تخصصی برای ایجاد پیوند میان مورخان و خط‌مشی‌گذاران و دانش‌پژوهان عرصه خط‌مشی عمومی است (پوستنوت، ۲۰۰۹، ص ۴). برای مثال می‌توان به مرکز خط‌مشی و تاریخ استرالیا^۱، واحد تاریخی دانشگاه دیکین^۲؛ مرکز تاریخ و خط‌مشی^۳ کمبریج؛ مرکز تاریخ و خط‌مشی (دپارتمان تاریخ دانشگاه کارنگی ملون)^۴؛ مجله تاریخ و خط‌مشی^۵ اشاره کرد.^۱

1. <http://www.aph.org.au/politicians-history-and-policy>

2. <http://aph.org.au/aih399-making-history>

3. <http://www.historyandpolicy.org>

4. <http://www.history.cmu.edu/centers/case.html>

5- <http://jph.asu.edu>.

فراگرد استفاده از تاریخ در حل مسئله عمومی

روس بیان می‌کند که مورخان و تحلیل‌گران خط‌مشی ممکن است با آنچه مسئله واقعی است، توافق نظر نداشته باشند. در یک مورد، همان‌طور که ریچارد نوستات و ارنست مای در «تفکر در زمان: استفاده‌های تاریخ برای تصمیم‌گیران» خاطر نشان می‌کنند سؤال اصلی و پایه‌ای برای مورخان و خط‌مشی‌گذاران این است که «داستان چیست؟» نه اینکه «مسئله چیست؟». اگر داستان درست گفته شود مسئله واقعی رخ می‌نماید و ممکن است آن چیزی نباشد که مردم فکر می‌کنند (روس^۲، ۱۹۸۸، ص ۴۱). به این ترتیب فراگرد تاریخ‌نگاری در ابتدا نوعی روایت تاریخی است که با هدف‌ها و سؤالات خاصی انجام می‌شود. گراتان الگوی این روایت را به شکل زیر مطرح می‌کند:



شکل ۲: الگوی روایت تاریخی (برگرفته از: گراتان، ۲۰۰۸، ص ۱۷۴)

گردآوری داده‌های تاریخی متکی به تعیین موضوع پژوهش و سؤالات آن و هدف پژوهش است. مورد‌های تاریخی مد نظر، می‌تواند از یک تا چند مورد تاریخی متغیر باشند. یکی از روش‌های مورد استفاده در علوم اجتماعی در مطالعات تاریخی، «روش تاریخی - تطبیقی^۳» است که می‌تواند در پژوهش‌های خط‌مشی‌گذاری عمومی نیز استفاده شود. هر چند این روش بیشتر برای پژوهش‌های تاریخی با دو یا چند مورد استفاده می‌شود؛ اما مراحل انجام آن می‌تواند در یک مورد

۱. برخی از عناوین پژوهش‌های تاریخ و خط‌مشی عبارتند از: خط‌مشی‌های مرتبط با تکامل دسته‌های تبهکاری ج.ان در شهرهای آمریکا در سال‌های دهه ۱۹۲۰ تاکنون؛ بحث‌های تاریخی درباره مشارکت سیاهان، زنان و همجنس‌بازان در ارتش؛ فرموله‌بندی و اجرای تنظیمات محیط زیستی در خلال جنگ جهانی دوم؛ تغییرات در نرخ مرگ و میر نوزادان در قرن بیستم؛ تطور مکاتب بازرگانی در خلال قرن گذشته؛ نوآوری‌ها در برنامه‌های رفتار تأدیبی در زندان‌ها در میان سال‌های ۱۸۸۰ تا دهه ۱۹۵۰.

2. Reuss.

3. Comparative-Historical Method.

نیز به کار برود^۱. در صورتی که بیش از یک مورد انتخاب شده باشد، نتایج هر بررسی موردی با دیگری تطبیق داده و وجوه مشترک آنها استخراج می‌شود. مراحل اجرای پژوهش تاریخی - تطبیقی به ترتیب زیر است که برای هر مورد به طور جداگانه به کار برده می‌شود:

مفهوم‌سازی موضوع پژوهش؛ یافتن قرائن؛ ارزشیابی کیفیت قرائن؛ سازمان‌دهی قرائن؛ ترکیب کردن (تبیین)؛ تحریر گزارش (نیومن، ۱۳۹۰، ص ۴۱۶-۴۲۳).

با بالا رفتن تعداد نمونه‌ها، این مراحل برای هر نمونه تکرار و نتایج آنها با هم تطبیق داده می‌شود. با توجه به آنچه که درباره اهمیت تعیین هدف از کاربرد روش تاریخی و میزان تعمیم‌پذیری نتایج مطرح شد و همچنین نظر به اهمیت مسئله انتخاب مورد و لزوم انتخاب مورد یا موارد مناسب برای هدف پژوهش و تعداد آنها، می‌توان دو مرحله «تعیین میزان تعمیم‌پذیری از کاربرد روش تاریخی» و «تعیین مورد(ها)» را به این مراحل، اضافه کرد.

نام مرحله	شرح اقدامات
تعیین موضوع پژوهش	تعیین سؤالات اصلی پژوهش، بیان اهمیت موضوع
تعیین هدف پژوهش تاریخی	با توجه به طیف تفردگرا تا تعمیم‌گرا و استفاده‌های گوناگون از رونویسی تا الهام‌گیری.
مفهوم‌سازی موضوع پژوهش (تعیین چارچوب اولیه)	پژوهشگر با مدلی اولیه یا مجموعه‌ای از مفاهیم اولیه کار را شروع می‌کند.
انتخاب مورد(ها)	تعیین مورد یا موارد تاریخی مناسب
انتخاب منابع تاریخی (یافتن قرائن)	احاطه پژوهشگر بر ادبیات پژوهش، یادداشت‌های تفصیلی، تعدیل مفاهیم و سوال‌های اولیه
ارزشیابی کیفیت قرائن	پرسش از نحوه ارتباط قرائن نسبت به سوال‌های پژوهشی و مفاهیم، میزان صحت و قوت قرائن.
سازماندهی قرائن	بهره‌گیری از بینش‌های نظری برای تحریک راه‌های

۱. روش تاریخی - تطبیقی برای هر یک از موردها به طور جداگانه تکرار و نتایج با یکدیگر مقایسه و وجوه تفاوت و تشابه آنها استخراج می‌شود. به این ترتیب در صورتی که این روش تنها برای یک مورد استفاده شود، فراگرد تکرار و مقایسه حذف خواهد شد.

جدید سازماندهی داده‌ها و طرح سوال‌های جدید.	
پالایش و خلق مفاهیم و مضامین جدید و حرکت به	ترکیب کردن (تبيين)
سمت نوعی مدل تبیینی عمومی	
کنار هم گذاشتن قرآن، برهان‌ها و نتیجه‌گیری‌ها	تحریر گزارش

جدول ۳: مراحل پژوهش تاریخی تطبیقی (برگرفته از نیومن، ۱۳۹۰، ص ۴۱۶-۴۲۳ با تغییرات)

تعیین موضوع پژوهش و ضرورت آن

در این مرحله موضوع پژوهش و اهمیت آن تبیین و سؤالات اصلی و فرعی تحقیق مشخص می‌شود. در صورتی که تحقیق از نوع کمی باشد، فرضیه‌های پژوهش مطرح می‌شود.

تعیین هدف از پژوهش تاریخی

از آنجا که دیدگاه‌های متنوعی درباره میزان درس گرفتن از تاریخ برای وضع کنونی وجود دارد، پژوهشگری که رویکرد تاریخی را برای حل مسئله عمومی برمی‌گزیند، باید روشن کند که از تاریخ چه نوع استفاده‌ای می‌تواند بکند. طیف وسیع و متنوعی از انواع بهره‌برداری‌ها از تاریخ از سوی مورخان و پژوهشگران خط‌مشی مطرح شده است.

گراهام در اثر خود اشاره می‌کند که «ما تلاش می‌کنیم تا باور به استفاده از روندهای گذشته به صورت پروژه‌های ساده را از بین ببریم؛ چرا که این راه دیگری است که داده‌های تاریخی موجب استفاده بد در انتخاب خط‌مشی می‌شوند» (۱۹۸۳، ص ۱۱).

تجربه‌های تاریخی به دلیل آنکه به تاریخی دورتر از تجربه‌های معاصر تعلق دارند، تفاوت عمده‌ای با تجربه‌های معاصر دارند. چرا که تغییرات عمده‌ای در فرهنگ، ساختار و نوع مسئله‌ها و راه‌حل‌ها ایجاد شده است؛ به گونه‌ای که گاه، تفاوت‌های موجود بسیار بیشتر از شباهت‌هاست و همین موضوع استفاده از تجربه‌های تاریخی را با دشواری‌هایی مواجه می‌کند. از این‌رو بازسازی گذشته یا یک فرهنگ دیگر به وسیله یک پژوهشگر به سادگی تحریف می‌شود (نیومن، ۱۳۹۰، ص ۴۱۰). این تفاوت‌ها گاه آنقدر شدید است که اساساً صورت مسئله تنها اشتراکی لفظی با مسئله

کنونی دارد^۱.

در مورد نحوه استفاده از تاریخ و میزان درس گرفتن از آن برای وضع کنونی و برای استفاده در علوم اجتماعی، در میان تاریخ‌نگاران و پژوهشگران علوم اجتماعی اتفاق نظر وجود ندارد. به طور کلی دو رویکرد را در مورد نحوه استفاده از تاریخ برای وضع کنونی می‌توان متمایز کرد:

رویکرد نپردگرا: برخی بر این باورند که کار تاریخ گردآوری داده‌های خام از رویدادهای گذشته می‌باشد که کاری پرزحمت و دقیق است و مورخ نگاهی به استفاده از تاریخ در زمان کنونی یا در سایر علوم اجتماعی جهت نظریه‌پردازی و یا تعمیم آنها ندارد.

آنها معتقدند «تنها چیزی که از تاریخ باید آموخت این است که انسان‌ها از تاریخ هیچ چیزی نمی‌آموزند». (استنفورد، ۱۳۸۸، ص ۹۵، به نقل از هگل^۲، ۱۹۵۶، ص ۶). از نظر این گروه، تاریخ مجموعه‌ای از حوادث منحصر به فرد است. تاریخ همانند زمین‌شناسی جزء علوم وصفی است که برای کشف و شناسایی وقایع جزئی تلاش می‌کند. روشن است که مورخ دست به تعمیم نمی‌زند؛ بلکه حوادث خاصی را مورد عنایت و بررسی قرار می‌دهد (آیینه‌وند، ۱۳۸۷، ص ۱۲-۱۰).

آنچه بزرگ‌ترین آرزوی یک فیلسوف محسوب می‌شود، یعنی خلاصه کردن تمدنی کامل در یک مفهوم واحد، از سوی یک مورخ علم‌گرا اجتناب و همچون یک سراب انگاشته می‌شود (هروی، ۱۳۸۹، ص ۵۷، به نقل از ایرنه مارو، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۶۲). از نظر برخی مانند انکراسمیت تعمیم‌ها بیانگر هیچ حقیقتی درباره واقعیت (اجتماعی - تاریخی) نیستند؛ آنها فقط نشانگر قواعدی هستند درباره اینکه ما در واقع چگونه تصمیم گرفته‌ایم واقعیت را مفهوم‌بندی کنیم. خود گذشته هیچ الگو یا ساختار روایی ندارد. مورخ باید چشم‌انداز تاریخی را بسازد و ساختار روایت، ساختاری است که به گذشته تحمیل می‌شود (مکالا، ۱۳۸۷، ص ۲۳۰). تاریخ نمی‌تواند آینده را پیش‌بینی کند و با هیچ میزان از اطمینان نمی‌تواند به ما بگوید که کدام گزینه‌های خط‌مشی را انتخاب کنیم؛ اما می‌تواند ریشه‌های ایده‌های مهمی را دنبال و روشن کند که چرا برخی از آنها در عملکرد خط‌مشی خاصی به خوبی جای گرفته‌اند؛ ولی برخی دیگر این‌گونه نیستند (کاستل^۳، ۲۰۱۲).

۱. به عنوان مثال کسی که به دنبال حل مسائل مرتبط با نظام بهزیستی و افراد کم توان ذهنی یا دیوانگان در یک کشور است، ممکن است با بررسی مطالعات تاریخی و سیر تطور آن به این نتیجه برسد که اساساً بیمارستان به معنای امروزی آن پدیده‌ای مدرن است و در گذشته تاریخی، اساساً نگاه به فرد دیوانه با نگاه کنونی متفاوت بوده است (رک. میشل فوکو، تاریخ جنون، ۱۳۸۷).

2. Hegel.

3. Kaestle.

قیاس‌های تاریخی می‌تواند مفید باشد؛ اما مهم است که نسبت به تفاوت‌ها همانند شباهت‌های میان موردها آگاه باشیم و از قیاس‌های سطحی و ناپخته از گذشته اجتناب کنیم (پوستنوت، ۲۰۰۹، ص ۲).

رویکرد تعمیم‌گرا: از نظر این افراد، گونه‌ای قوانین کلی و عام وجود دارد که ضمن اینکه نظریه‌های بسته‌ای نمی‌سازند، به مثابه راهنما، به درک و فهم رفتار انسان کمک می‌کنند. به عنوان مثال از نظر آیزنشتاد، جوامع از ویژگی‌های نظام‌مندی برخوردارند که واقعی و قابل توصیف و تبیین هستند و در این توصیف‌ها و تبیین‌هاست که ماهیت جامعه و تغییر آن مد نظر قرار می‌گیرد (اسکاچپول، ۱۳۹۲، ص ۱۳۱). در مجموع می‌توان دیدگاه موافقان استفاده از تاریخ برای وضع کنونی را در جدول زیر خلاصه کرد:

انواع استفاده	توضیح
توصیف	توصیف دقیق رویدادهای گذشته
طبقه‌بندی	طبقه‌بندی پدیده‌ها با توجه به وجوه اشتراک و افتراق‌شان (دانش‌فرد، ۱۳۸۹، ۹۰).
تبیین	تلاش جهت کشف روابط علی و معلولی (همان، ص ۹۰).
گسترده کردن دید	فهم بهتر خاستگاه‌های مسائل کنونی با داشتن دیدگاهی وسیع‌تر نسبت به تاریخ آن مسائل (پوستنوت، ۲۰۰۹، ص ۲).
الهام‌بخشی	بخشی از این تاریخ به ارائه نمونه‌ای به قصد الهام‌گرفتن اختصاص یافته است (همان، ص ۶۸-۷۰).
ارائه راهنماهای عملی	نشان دادن شیوه دیگر اداره و کمک در نقد شیوه‌های کنونی

نظریه‌پردازی	استخراج نظریه‌ای قابل تعمیم، از درون مطالعات تاریخی ^۱ .
پیش‌بینی	پیش‌بینی از طریق استفاده از نظریات تاریخی و یافتن مشابهت‌های وضع کنونی با گذشته.

جدول ۴: انواع استفاده از تاریخ برای وضع کنونی

دیدگاه‌های تفردگرا و تعمیم‌گرا در تاریخ در دو سوی یک طیف قرار دارند و از سوی پژوهشگران خط‌مشی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. از نظر دیدگاه شباهت‌گرا، تمامی موسسه‌ها، نهادها، اعمال، ایده‌ها، سازمان‌ها و خاطره‌ها- نیرو و اثر مشابهی دارند. در مقابل، پوچ‌گرایی تاریخی^۲ نیز آنها را به عنوان عناصری فاقد خاصیت می‌بیند و جهان را کاملاً جدید می‌پندارد. اما تاریخ‌نگاران^۳ با هیچ یک این دو موافق نیستند و ما می‌دانیم که زمان هم کهنه و هم تازه می‌سازد و این به ما کمک می‌کند نرخ‌های تغییر را به حساب آوریم و بپذیریم که چه زمانی موقعیت برای جنبش و نوآوری آماده یا موقعیت در برابر تغییر بسته است (گراهام، ۱۹۸۳، ص ۱۱).

در یک‌سو، تاریخ فقط توصیف‌گر رویدادهای گذشته است و در سوی دیگر، تاریخ همراه سایر علوم اجتماعی به نظریه‌پردازی و کشف قوانین و قواعد عام جهان‌شمول و در نهایت، به پیش‌بینی آینده از طریق گذشته می‌پردازد.

پیش‌فرض اصلی برای استفاده از مطالعه تاریخی در حل مسئله عمومی کنونی، آن است که سطح تحلیل تاریخی از توصیف صرف و طبقه‌بندی فراتر رود. چرا که با توصیف صرف، خط-مشی‌گذار فقط در انبوه داده‌های تاریخی گرفتار می‌شود؛ یعنی پس از طبقه‌بندی، بسته به ظرفیت موضوع پژوهش، زمان پژوهش و سایر محدودیت‌ها، می‌توان استفاده‌های بیشتری از تاریخ انجام داد.

گسترده کردن دید: یکی از راهکارهای نافذ ساختن تاریخ در خط‌مشی‌گذاری، توسعه دید خط‌مشی‌گذار است. ارزش تحلیلی روش تاریخی آن است که می‌تواند یک انتزاع‌گزینش شده از

۱. برای مثال، «توین بی» در اثر پرحجم دوازده جلدی خود به نام «بررسی تاریخ» کوشیده است تا به کشف قوانین حاکم بر بشر و تکامل تمدن‌ها بپردازد و این کار را در متن نوعی بررسی تطبیقی جوامع مختلف انجام داده است (موسوی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲-۱۰۶).

2. Historical nihilism.

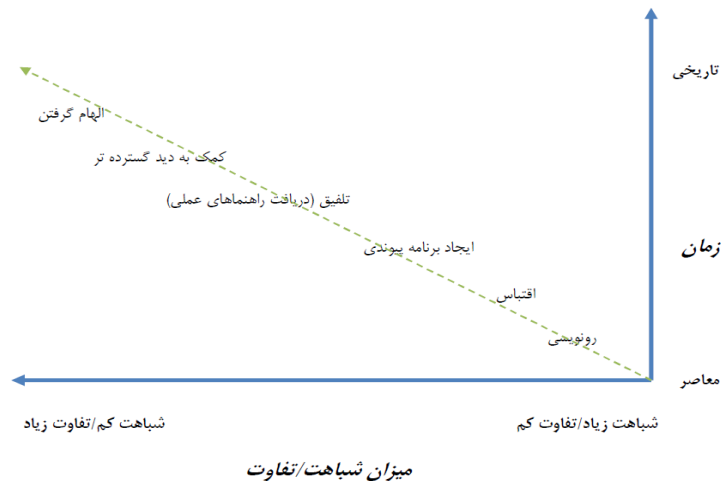
3. Historians.

درون عملکرد تجمیعی ما در طول زمان ارائه دهد (گراهام، ۱۹۸۳، ص ۱۴-۱۶). هنگامی که تاریخچه یک موضوع یا نهاد یا مسئله، جهت خط‌مشی‌گذاری عمومی استفاده می‌شود، هدف از آن، شناخت صحیح ریشه‌های شکل‌گیری آن مسئله و موضوعات مرتبط با آن است. برای مثال، برای خط‌مشی‌گذاری در عرصه آموزش عالی کشور، پیشینه آموزش در ایران از سده‌های قبل بررسی می‌شود تا وضعیت کنونی آموزش عالی ایران و نهادها و موضوعات مرتبط با آن، در زمینه‌ای تاریخی، به درستی فهم شود و از تقلید بی‌مبنا جلوگیری گردد (رک. رحمان‌سرشت، ۱۳۸۲، ص ۲۴-۲۶).

برای مشخص کردن انواع بهره‌برداری‌های ممکن از تاریخ، پس از انتخاب موضوع پژوهش و نمونه مناسب و اثبات ضرورت و فایده‌مندی پژوهش، از مدل رز استفاده می‌کنیم و با توسعه آن به سطح تاریخی و تلفیق با دیدگاه تاریخ‌نگاران درباره میزان تعمیم‌پذیری پژوهش‌های تاریخی، مدل مناسب‌تری را طراحی می‌نماییم.

رز در اثر خود، مراحل استفاده از خط‌مشی‌های سایر کشورها را در پنج مرحله خلاصه کرده است که از کپی‌برداری آغاز می‌شود و تا الهام گرفتن ادامه می‌یابد (رز، ۱۹۹۳، ص ۳۰). مدل رز برای تجربه‌های معاصر طراحی شده است. با تعمیم دیدگاه رز به تحلیل کلان روندهای تاریخی و استفاده از دیدگاه تاریخ‌نگاران برای کاربست تاریخ در تحلیل وضع کنونی و برای دولت‌ها، می‌توان با حفظ ملاحظات مربوط به دشواری‌های تعمیم گذشته به حال، از موارد ۲ تا ۶ جدول ۵ استفاده کرد.

در نتیجه، پس از انتخاب مورد تاریخی مناسب، می‌توان از توصیف و طبقه‌بندی رویدادهای تاریخی مربوط فراتر رفت و به تبیینی در جهت علت‌ها و چگونگی ارتباط عناصر مؤثر در آن رویداد تاریخی دست یافت. چنین تبیینی، زمینه را برای «فهم گسترده‌تر» از وضع کنونی فراهم می‌کند و تا حد ممکن «الهام گرفتن» از تاریخ را برای طرح‌ریزی خط‌مشی فعلی یا نقد خط‌مشی‌های کنونی مهیا می‌سازد. در نهایت در صورت وجود شرایط مشابه و تکرار موارد مشابه، می‌توان برخی از راهنماها و پیشنهادها عملی را نیز از تاریخ استخراج کرد. البته دستیابی به مدل و نظریه خط‌مشی از درون تاریخ بسیار دشوار است؛ زیرا شرایط متفاوت حال با گذشته و تفاوت‌های اساسی دولت‌های فعلی با دولت‌های گذشته، امکان تعمیم صریح را کاملاً منتفی می‌کند.



نمودار ۱: تسری دیدگاه «درس‌آموزی» به رویکرد تاریخی برای کاربست در خط‌مشی‌گذاری عمومی

به این ترتیب پژوهشگر پیش از ورود به پژوهش تاریخی برای حل مسئله عمومی، روشن می‌کند که نتیجه پژوهش وی در چه سطحی از تعمیم‌پذیری و کاربرد برای وضع کنونی قرار دارد. ممکن است پژوهشی در نهایت فقط موجبات «الهام‌بخشی» برای خط‌مشی‌گذار را فراهم کند یا فقط دید گسترده‌تری نسبت به عناصر موثر در خط‌مشی‌گذاری به دست بدهد. در برخی موارد نیز امکان آن وجود دارد که خط‌مشی‌گذار عناصری از حادثه تاریخی مرتبط با دخالت دولت را استخراج کند و در تدوین یا ارزشیابی خط‌مشی‌های کنونی استفاده نماید (رویکرد تلفیقی).
انتخاب مورد (یا موارد) مناسب

جایی که قرار است از تاریخ استفاده عملی بشود، مهم است که نمونه پیشنهادی به دقت، یعنی با توجه دقیق به جزئیات و با دیدگاهی گسترده و از بالا نسبت به بافت و زمینه، مطالعه شود. اساساً واقعیت‌های تاریخی اگر در بافت و زمینه گسترده و عمیق جای نگیرند بی‌معنا خواهند شد و چه بسا درس اشتباه گرفته شود و درمان نادرست به کار رود. اما جایی که تاریخ الهام‌بخش باشد، چنین مطالعه دقیقی تنها ممکن است تصویر را تار کند و ممکن است جزئیات رویایی پرشکوه را بر هم زند (استنفورد، ۱۳۸۸، ص ۷۰ و ۱۰۰). رویکرد تاریخی - تطبیقی زمانی مناسب است که سؤال‌های بزرگی در مورد تغییر سطح کلان پرسیده شود. این رویکرد برای فهم فراگردهای اجتماعی که در طی زمان عمل می‌کنند یا میان چند جامعه جهان‌شمول‌اند کاربرد دارد (نیومن، ۱۳۹۰، ص ۴۶۹).

اسم‌سلسر برای انتخاب واحدهای تحلیل چند ملاک را مطرح می‌کند:
 واحدهای تحلیل باید متناسب با نوع مسئله نظری مطرح شده پژوهشگر باشند؛
 واحدهای تحلیل باید مرتبط با پدیده مورد مطالعه باشند؛
 بیان میزان دسترسی به داده‌های مربوط به هر واحد پژوهش؛
 تصمیم به انتخاب و طبقه‌بندی واحدهای تحلیل باید مبتنی بر رویه‌های استاندارد و قابل قبول
 باشد (اسم‌سلسر، ۱۹۷۶، ص ۱۷۴ به نقل از غفاری، ۱۳۸۹).
 واحد تحلیل برای مقایسه تاریخی کلان، «کشور» در برخی پژوهش‌ها، «فراملی»
 است (نیومن، ۱۳۹۰، ص ۴۴۳).

روش تاریخی - تطبیقی برای انتخاب مورد، دو رویکرد دارد. با توجه به اینکه می‌توان این روش
 را درباره یک مورد نیز به کار برد، می‌توان این دو رویکرد را در انتخاب مورد برای پژوهش‌های تک
 موردی تاریخ خط‌مشی نیز به کار گرفت:

الف. روش موردمحور: این روش در شمار روش‌های تطبیقی کلاسیک قرار می‌گیرد. این
 روش برای بررسی جامع موارد و پدیده‌های مشخص تاریخی، طراحی شده، آشکارا محصول یکی
 از اهداف اصلی علوم اجتماعی تطبیقی است که هدفش تبیین و توضیح تجربه‌های گوناگون
 جامعه‌ها، ملت‌ها، فرهنگ‌ها و سایر واحدهای کلان اجتماعی است. راهبرد اساسی این پژوهش
 به یافته‌های مشاهده شده متکی است. بر این اساس انعطاف‌پذیری در رویکرد مورد نظر به شواهد،
 به منزله یکی از خصایص بارز مطرح می‌شود (شربتیان، ۱۳۹۲، ص ۵).

معمولاً با بزرگ شدن موردها، نظیر واحدهای کلانی چون «تمدن»، از حجم و تعداد آنها
 کاسته شده، ولی به تعداد متغیرهای مربوط و مستتر در این واحدها افزوده می‌شود؛ زیرا واحدهای
 بزرگ و کلان مستعد پوشش دادن متغیرهای متعددند و برعکس، با محدود شدن گستردگی
 واحدها، هر چند که بر تعداد آنها افزوده می‌شود؛ ولی این موردها یا واحدها، متغیرهای کمتری را
 پوشش می‌دهند. بر این اساس، جدول ذیل با هدف تشریح بیشتر موضوع، به این روابط بین
 واحدها و گستره آنها دلالت دارد.

نوع موردها بر حسب گستره واحدها		گستره موارد	
کوچک / خرد	بزرگ / کلان	تعداد موارد و متغیرها	
زیاد	کم	موردها	تعداد موارد و متغیرها
کم	زیاد	متغیرها	

جدول ۳: رابطه بین گستره و تعداد متغیرهای هر واحد کوچک یا بزرگ (اقتباس از غفاری، ۱۳۸۹، ص ۳) در مطالعات علوم اجتماعی، بیشتر مطالعات تطبیقی در خصوص واحدهای کلان و بزرگ انجام می‌شود که معمولاً حجم محدودی را شامل می‌گردد. کلیدی‌ترین ایده تحلیل تطبیقی، به ویژه در پژوهش‌های مورد محور، آن است که موردها را باید همچون شاکله یا کلیتی برای مطالعه در نظر گرفت (شربتیان، ۱۳۹۲، ص ۹).

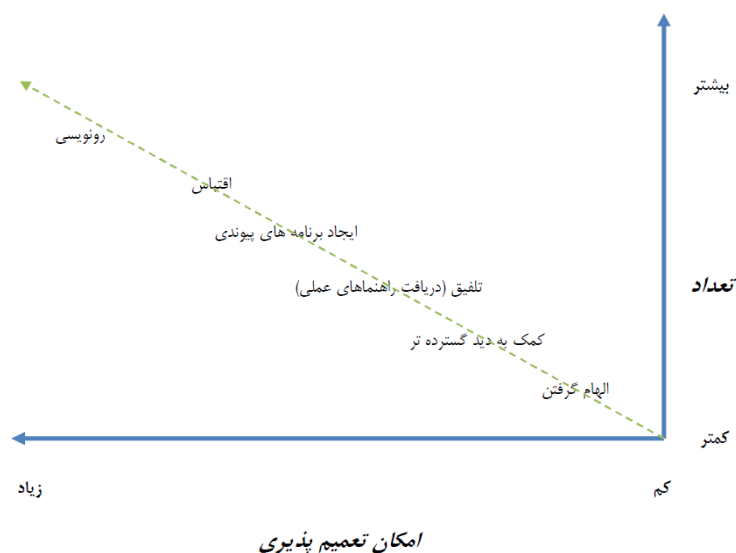
روش متغیر محور: در این روش بیشتر توجه به عناصر «نظریه‌آزمایی» معطوف می‌شود. بنابراین لازم است پژوهشگر مقدار قابل توجهی شواهد مناسب را گردآوری کند (همان، ص ۳۱).

مورد محور	متغیر محور	موارد
با ذکر نام (واحدهای پیچیده)	بدون ذکر نام (ناشناخته)	موردها
ساخته شده طی پژوهش	از قبل تعیین و تعریف عملی - شده	مفاهیم
معطوف به فراگرد تحلیل سامان‌مند	فرض استقلال موردها	استقلال موردها
محدود بودن تعداد موردها	افزایش موردها تا حد امکان	تعداد موردها
توصیف وسیع و پرمایه	کاهش تعداد متغیرها	تعداد متغیرها
انتخاب موردهای پارادایمی	انتخاب تصادفی یا بر مبنای متغیر وابسته	انتخاب مورد
تنوع در فهم به واسطه شناخت تفاوت‌ها و یا کشف تنوع	تنوع در خصایص و جستجوی تعمیم‌ها در حوزه‌های فرعی	تنوع
توجه به فراگردها و نتایج زمانی و لحظات مهم	توجه دوره‌ای	زمان

جدول ۴: مقایسه پژوهش متغیر محور و مورد محور (پورتا، ۲۰۰۸، ص ۲۰۴ به نقل از غفاری، ۱۳۸۹)

تکثیر موردها

بالا بردن تعداد نمونه‌های مورد بررسی، بر احتمال تعمیم‌پذیری و حرکت از الهام‌بخشی به سمت بررسی‌های تلفیقی و پیوندی می‌افزاید.



نمودار ۲: پیوستار ارتباط تعداد نمونه با امکان تعمیم‌پذیری

مثال کاربردی

تعیین موضوع پژوهش و ضرورت آن

بیش از سه دهه است که مسئله‌ای به نام «مفید نبودن علوم انسانی در ایران» مطرح شده است.^۱ برخی از صاحب‌نظران این مفید نبودن را به عدم تناسب مبانی و ارزش‌ها و اهداف این علوم با فرهنگ بومی و دینی ایران نسبت داده‌اند (ر.ک: منصور، ۱۳۸۹، داوری اردکانی، ۱۳۸۸، فروزنده، ۱۳۹۱، سجادیان، ۱۳۸۷، خسروپناه، ۱۳۹۱، جوادی آملی، ۱۳۸۶). به همین منظور تلاش‌های گسترده‌ای از سوی نهادهای دولتی و غیردولتی برای حل این مشکل صورت گرفته و این

۱. جهت مروری بر تاریخچه حدود ۴۰ ساله این نظریه در ایران و جهان رک: علم بومی، علم جهانی، امکان یا امتناع؟ انجمن جامعه‌شناسی ایران؛ انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۸۹.

موضوع به عنوان دستور کاری برای دولت‌ها و موضوعی برای خط‌مشی‌گذاری مطرح بوده است^۱. دیدگاه‌های متنوع فکری و فلسفی از سوی صاحب‌نظران، کار انتخاب خط‌مشی مناسب را برای مجریان دشوار کرده است^۲. کمک به حل این مسئله نیازمند رویکردی جدید و تا حد ممکن به دور از مناقشات فلسفی است. به این منظور مرور تجربه‌های مشابه و سامان‌مندسازی آنها می‌تواند خط‌مشی‌گذار را یاری دهد. به این ترتیب سؤال اصلی پژوهش عبارت است از:

نقش دولت (حکومت) در فراگرد تحول در علوم انسانی چیست؟

تعیین هدف از مطالعه تاریخی

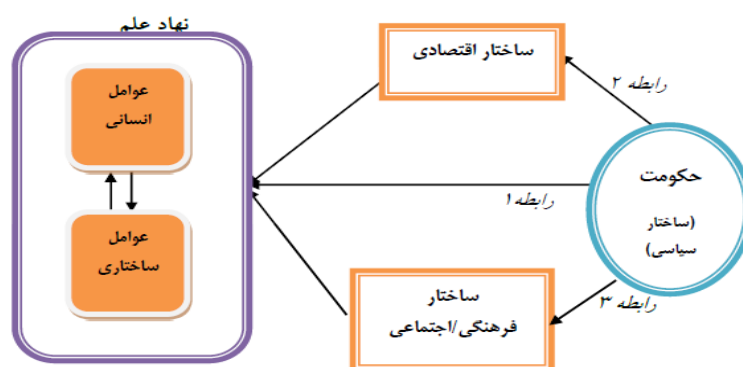
همان‌طور که پیش از این توضیح داده شد، استفاده از تاریخ می‌تواند با اهداف متنوعی صورت گیرد. با توجه به فاصله زمانی زیاد مورد تاریخی پژوهش با وضعیت کنونی، امکان رونویسی یا اقتباس از آنچه حکومت در آن دوره زمانی انجام داده است ممکن نیست. به این ترتیب هدف از این پژوهش، الهام‌گیری و گسترده کردن دید خط‌مشی‌گذاران مرتبط با تحول در علوم انسانی است. با تکمیل زنجیره پژوهش‌های تاریخی به سایر موارد مشابه و مقایسه تطبیقی آنها، می‌توان از سطح الهام‌گیری به سمت پیشنهادهای عملی و تلفیق برنامه‌ها حرکت کرد.

چارچوب مطالعه تاریخی

به منظور گردآوری و یافتن قرائن مناسب تاریخی برای سؤال اصلی پژوهش، نیازمند چارچوب نظری ابتدایی هستیم. این چارچوب اولیه با توجه به ادبیات مربوط به موضوع خط‌مشی‌انتخاب می‌شود. موضوع خط‌مشی‌کنونی در حوزه «خط‌مشی‌گذاری علم» قرار می‌گیرد. «خط‌مشی‌گذاری علم» نیز حوزه به نسبت جدید است که به مطالعات «جامعه‌شناسی علم» اضافه شده است (توکل، ۱۳۸۹، ص ۳۷). با مرور ادبیات جامعه‌شناسی علم، با توجه به سؤال پژوهش، تنها به آن

۱. به عنوان نمونه می‌توان به سمینار انتقال به تعلیم و تربیت اسلامی در ۱۳۵۹، فرمان امام خمینی (ره) جهت تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی برای تحول در مبانی آموزشی و فرهنگی دانشگاه‌ها، بازنگری‌ها در متون درسی علوم انسانی، نحوه‌گزینش اساتید، تشکیل ستاد (بعدها شورای) اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ۱۳۷۵، تشکیل مؤسساتی با حمایت‌های دولتی همانند پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی اشاره کرد (رک: ذاکر صالحی، ۱۳۸۹، سوزنجی، ۱۳۸۴).
 ۲. جهت آشنایی با این دیدگاه‌ها می‌توان به سوزنجی، ۱۳۸۴؛ مرادی، ۱۳۸۵؛ حسینی، ۱۳۸۵ مراجعه کرد.

دسته از عناصر مؤثر بر نهاد علم و تحول علمی تأکید شده که «قابل مداخله‌گری از سوی دولت» باشند. به این منظور، «دیدگاه ساختاری» به نهاد علم، مبنای مدل نظری اولیه پژوهش قرار گرفت. نظریه‌های ساختاری، نظام‌های علمی را به عنوان سیستم‌های اجتماعی مطالعه می‌کنند و روابط علمی را برحسب زمینه‌های سازمانی و ساختاری آن مطالعه می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۵۶، محسنی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۹). با ترکیبی از مدل‌های ارائه شده در این دیدگاه، با توجه به سؤال اصلی پژوهش، الگوی زیر انتخاب شد:



شکل ۴: چارچوب اولیه اثرگذاری عوامل گوناگون با مداخله دولت بر نهاد علم

رابطه ۱: بیانگر اثرگذاری مستقیم حکومت بر نهاد علم است؛

رابطه ۲: بیانگر اثرگذاری غیرمستقیم حکومت بر نهاد علم به واسطه ساختار اقتصادی جامعه است؛

رابطه ۳: بیانگر اثرگذاری غیرمستقیم حکومت بر نهاد علم به واسطه ساختار فرهنگی - اجتماعی جامعه است.

انتخاب مورد

از آنجا که تحول‌خواهان علوم انسانی ابعادی تمدنی از این تحول را در نظر دارند، مورد مطالعه تاریخی نخست باید دارای تحول علمی در ابعاد وسیع باشد و دوم، باید در ابعاد بسیار کلان صورت گیرد و از وجهه‌ای تمدنی برخوردار باشد. به این منظور «جریان انتقال و تحول علوم انسانی یونانی به سرزمین‌های اسلامی (نهضت ترجمه) در قرن‌های ۲-۴ ه.ق»، نمونه تاریخی مناسبی خواهد بود؛ زیرا از یک سو این فراگرد در سطح فراملی صورت گرفته و از سوی دیگر ابعاد این تحول محدود به تغییرات جزئی نبوده و مبانی علوم تغییر یافته است (داوری اردکانی، ۱۳۹۰، ص ۲۸).

یافتن قرائن یا ارزشیابی کیفیت قرائن

منابع مورد استفاده مورخان را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد:

الف. کتاب‌های مرجع: که دارای اطلاعات کلی و مختصر و فشرده هستند. مانند فرهنگ‌ها، لغت‌نامه‌ها، دایره‌المعارف‌ها، زندگینامه‌ها، کتاب‌شناسی‌ها، فهرست مقالات. مآخذ تاریخی:

مآخذ تاریخی دست اول: اسناد دست اول که بدون واسطه از رویداد تاریخی گزارش می‌دهند. مآخذ دست دوم: حاصل تتبع و پژوهش تاریخی در اسناد دست اول هستند (هروی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳، نیومن، ۱۳۹۰، ص ۴۲۴).

از دیدگاه کسانی که به پژوهش جامعه‌شناختی در تاریخ می‌پردازند، اصرار متعصبانه بر استفاده از منابع دست اول و اصلی برای هر پژوهشی بسیار فاجعه‌بار خواهد بود؛ زیرا این امر بیشتر پژوهش‌های تطبیقی تاریخی را غیرممکن خواهد کرد (اسکاچپول، ۱۳۸۸، ص ۵۲۵). به این ترتیب برای پژوهش حاضر منابع دست دوم تاریخی و تحلیلی، بررسی و در موارد خاص به منابع دست اول نیز رجوع شد.^۱

سامان‌دهی قرائن / ترکیب کردن (تبیین)

قرائن تاریخی به دست آمده در چارچوب نظری اولیه سامان‌دهی شدند. به این منظور موارد زیر شناسایی شد:

شناسایی بازیگران اصلی در حکومت: خلفا، درباریان؛

شناسایی ساختارهای اصلی در نهاد علم: کتابخانه‌ها، بیت‌الحکمه‌ها، دارالعلم‌ها، مدارس؛

شناسایی کنش‌گران اصلی در نهاد علم، مترجمان، دانشمندان؛

^۱ برخی از منابع دست اول مرتبط با نهضت ترجمه عبارتند از: *الفهرست* (ابن ندیم)، *عیون الانبیاء* (ابن ابی‌اصیبعه)؛ *طبقات الحکماء* (ابن جلال)، *المقابسات* (ابوحنان توحیدی)؛ همچنین برخی منابع دست دوم استفاده شده در پژوهش نیز عبارتند از: *ما و تاریخ فلسفه اسلامی*، رضا داوری اردکانی، ۱۳۹۰، *تاریخ فلسفه در جهان اسلام*؛ حنا فاخوری، ۱۳۷۳؛ *تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطی*، اتین ژیلسون، ۱۳۸۹؛ *جنبش علمی ترجمه در تمدن اسلامی (۱۵۰-۲۵۰ ه.ق)*، احمد جوانی، ۱۳۷۲؛ *تاریخ تمدن اسلام*، جرجی زیدان، ۱۳۷۲؛ *انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی*؛ جونل کرامر؛ ۱۳۷۵؛ *سیر فلسفه در جهان اسلام*؛ ماجد فخری، ۱۳۹۱؛ *میراث کلاسیک اسلام*؛ فرانترز روزنتال؛ ۱۳۸۵؛ *انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی*، اولیری؛ ۱۳۷۲، *نهضت ترجمه کتاب‌های یونانی به عربی*، دیمیتری گوتاس؛ *کارنامه اسلام*، عبدالحسین زرین‌کوب، ۱۳۹۱.

شناسایی ارتباط میان فراگرد انتقال علوم و فراگرد تحول علوم. پس از مشخص شدن عوامل مؤثر در نهضت ترجمه و جایابی آنها در چارچوب ابتدایی پژوهش، مداخلات حکومت در این فراگرد انتقال و تحول بررسی شد. بر اساس مجموع قرائن به دست آمده، مهم‌ترین مداخلات حکومت به شکل زیر دسته‌بندی شدند:

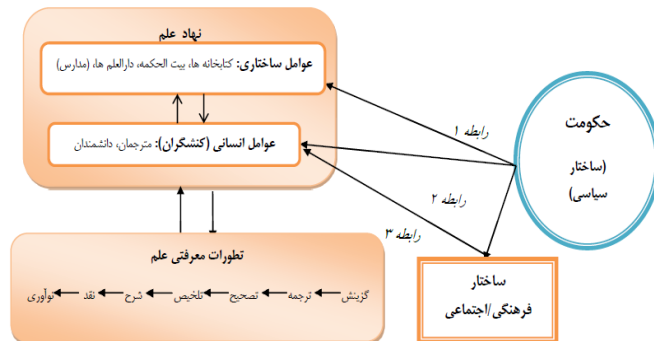
انگیزه‌های حکومت برای مداخله:

انگیزه‌های کاربردی (اولیری، ۱۳۷۲، ص ۲۳۴؛ کرمر، ۱۳۷۵، ص ۲۲۲؛ روزنتال، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

انگیزه‌های سیاسی (گوتاس، ۱۳۸۱، ص ۵۷-۶۴، روزنتال، ۱۳۸۵، ص ۵۰)؛
انگیزه‌های علمی (زیدان، ۱۳۷۲، ص ۵۵۶، رفاعی، ۱۹۲۷، ص ۳۴۸، زرین‌کوب، ۱۳۹۱، ص ۲۳، روزنتال، ۱۳۸۵، ص ۲۵، داوری اردکانی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵).
انگیزه‌های دینی:

مناقشات اسلام و مسیحیت (گوتاس، ۱۳۸۱، ص ۹۸-۱۰۲؛ امین، ۲۰۱۲، ص ۲۶۵-۲۶۶)؛
مناقشات فرق کلامی (روزنتال، ۱۳۸۵، ص ۲۴-۲۵، گوتاس، ۱۳۸۱، ص ۱۰۲-۱۰۴؛ زیلسون، ۱۳۸۹، ص ۲۷۱)؛
ضدیت عباسیان با اهل بیت (ع) (حکیمی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۵).
انگیزه دینی: اسلام به عنوان مشوق علم‌آموزی (زرین‌کوب، ۱۳۹۱، ص ۳۶؛ داوری، ۱۳۸۷، ص ۴)؛
انگیزه‌های قومی (گوتاس، ۱۳۸۱، ص ۱۲۵-۱۲۶).
با روشن شدن انگیزه‌های حکومت برای مداخله در این فراگرد، مدل اصلی پژوهش به دست آمد^۱:

^۱ همان‌طور که ملاحظه می‌شود ساختار اقتصادی به عنوان عاملی مستقل در مدل نهایی حذف شده است؛ چرا که بر اساس داده‌های تاریخی، مداخلات حکومت بر نهاد علم، غالباً با حمایت‌های مالی مستقیم صورت می‌گرفته و کمتر ساختار کلان اقتصادی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌داده است. همچنین تأسیس مدارس مربوط به قرن پنجم هجری است یعنی زمانی که نهضت ترجمه به پایان رسیده است.



شکل ۵: مدل مداخله حکومت در فراگرد انتقال و تحول علم در دوره تمدن اسلامی

شرح رابطه ۱ و رابطه ۲:

الف. مداخلات مستقیم حکومت

الف- ۱. اثرگذاری خلفا بر ایجاد یا توسعه ساختارهای مرتبط با نهضت ترجمه (جمیلی، ۱۳۸۵، ص ۲۴ و ۶۰؛ فاخوری، ۱۳۷۳، ص ۳۳۳؛ رفاعی، ۱۹۲۷، ص ۳۷۵؛ عش، ۱۳۷۲، ص ۴۷-۴۸).

الف- ۲. اثرگذاری خلفا در انتخاب و حمایت کنش‌گران (مترجمان، دانشمندان) (جمیلی، ۱۳۸۵، ص ۲۲-۲۳ و ۲۷؛ زیدان، ۱۳۷۲، ص ۵۵۸؛ فخری، ۱۳۹۱، ص ۸۴).

الف- ۳. اثرگذاری درباریان بر کنش‌گران: حمایت‌های مالی (اولیری، ۱۳۷۲، ص ۲۳۷)؛ سفارش‌های ترجمه، تصحیح (روزنتال، ۱۳۸۵، ص ۴۲).

شرح رابطه ۳:

ب. اثرگذاری حکومت از طریق زمینه فرهنگی-اجتماعی

ب- ۱. ایجاد زمینه آزاداندیشی دانشمندان (زیدان، ۱۳۷۲، ص ۵۵۶؛ زرین‌کوب، ۱۳۹۱، ص ۲۳)؛

ب- ۲. تکریم جایگاه علم و دانشمندان (زیدان، ۱۳۷۲، ص ۵۸۲-۵۸۵؛ رفاعی، ۱۹۲۷، ص ۳۴۸).

در نتیجه این مداخلات و همچنین عوامل دیگر، نهاد علم در دوره تمدن اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای را در فراگرد انتقال دانش یونانی به سرزمین‌های اسلامی ایفا کرد. فراگرد انتقال علوم، از گزینش علوم و متون از سایر تمدن‌ها آغاز شد (اولیری، ۱۳۷۲، ص ۲؛ جمیلی، ۱۳۸۵، ص ۲۷؛ زیدان، ۱۳۷۵، ص ۵۶۸-۵۷۸؛ فاخوری، ۱۳۷۳، ص ۳۴۸؛ رفاعی، ۱۹۲۷، ص ۳۸۱-۳۸۳) و با ترجمه کتب به زبان عربی و فارسی و مطالعه شرح‌های آنها (فاخوری، ۱۳۷۳، ص ۳۳۶) ادامه یافت تا جایی که در غالب رشته‌ها متون اساسی و عمده ترجمه و تصحیح شده (روزنتال، ۱۳۸۵، ص ۴۲) و بر آنها شرح نوشته شد و در نتیجه هر رشته به بالاتر از آن مرحله‌ای رسیده بود که آثار ترجمه شده معرفی می‌کرد (گوتاس، ۱۳۸۱، ص ۲۸۲). به این ترتیب نهضت ترجمه پس از دو قرن، وارد نگارش آثار مستقل از سوی دانشمندان مسلمان شد (زیدان، ۱۳۷۲، ص ۵۸۷؛ روزنتال، ۱۳۸۵، ص ۲۸-۲۹). همان‌طور که بور بیان می‌کند، مسلمانان فلسفه را از جایی آغاز کردند که آخرین حکمای یونان به پایان آورده بودند (فاخوری، ۱۳۷۳، ص ۳۳۶). در این امتداد، سفارش‌های علمی از سفارش ترجمه آثار یونانی به درخواست تألیف‌های اصیل عربی تغییر یافت (فاخوری، ۱۳۷۳، ص ۳۳۶). دانشمندان مسلمان جای مترجمان را در نهاد علم گرفتند و تحقیق و توسعه دانش‌های انتقال‌یافته و نقد و ارزیابی آنها جای ترجمه را گرفت (روزنتال، ۱۳۸۵، ص ۳۰-۲۸).

پس از آن نوآوری‌های علمی نیز آغاز شد و دانش پیشین در ابعاد گوناگون مورد بازنگری و تحول قرار گرفت (جملی، ۱۳۸۵، ص ۵۰-۵۱). این تحول در ابعاد متفاوتی مانند تحول در ابداع یا تغییر معنای برخی مفاهیم (فاخوری، ۱۳۷۳، ص ۳۴۵-۳۴۶؛ ژیلسون، ۱۳۸۹، ص ۲۷۴ و ۳۰۲)، تحول در غایت علوم (ژیلسون، ۱۳۸۹، ص ۳۰۹)، تحول در تقسیم‌بندی علوم (جملی، ۱۳۸۵، ص ۷۸-۷۸؛ فارابی، ۱۳۸۹، ص ۴۲۱؛ کرم، ۱۳۷۵، ص ۳۲۰)، ایجاد رشته‌های جدید علمی (زیدان، ۱۳۷۲، ص ۵۹۵)، بسط مسائل قدیم و طرح مسائل جدید (ژیلسون، ۱۳۸۹، ص ۲۷۶-۲۷۷؛ فخری، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷-۱۲۸) قابل پیگیری است.

این پژوهش نشان داد که پیش‌زمینه تحول علوم در آن دوره، جریان طولانی و هدفمند ترجمه بوده که با حمایت‌های حکومتی تقویت شده است. این حمایت‌ها به ویژه در آغاز این حرکت، برجسته‌تر بوده و با گذشت زمان، این نهضت خودمختار شده است (گوتاس، ۱۳۸۱، ص ۲۱۴). همچنین اهمیت ساختارهای پشتیبانی‌کننده ترجمه قابل ملاحظه است که با عبور از مراحل گزینش و ترجمه و تصحیح به مراحل نقد و نوآوری، ساختارهای ترجمه جای خود را به ساختارهای

آموزشی و پژوهشی داده است (سیاهپوش، ۱۳۹۰، ص ۱۶۶-۱۷۶).

تکمیل این تحقیق با پژوهش‌های تاریخی دیگری خواهد بود که فرآیند انتقال و تحول علم را در سطح کلان در موارد تاریخی دیگر بررسی کنند و با مطالعه تطبیقی میان آنها افزون بر گسترده کردن دید خط‌مشی‌گذاران تحول در علوم انسانی و الهام‌گیری از تجربه‌های تاریخی، به سمت تعمیم محدود یافته‌های پژوهش با ملاحظه عوامل مداخله‌گر کنونی (تفاوت‌های زمانی و مکانی) حرکت کنند.

نتیجه‌گیری

استفاده از تجربه در شاخه‌های گوناگون اداره امور عمومی امری متداول است و در عرصه خط-مشی‌گذاری نیز مطالعات بسیاری برای استفاده از تجربه‌های دولت‌های پیشین و سایر کشورها انجام شده است. اما در عرصه خط‌مشی‌گذاری عمومی، استفاده از تاریخ کمتر استفاده شده است. بیان اهمیت پژوهش تاریخی و جایابی آن در میان پژوهش‌های خط‌مشی عمومی گام ابتدایی برای ورود این مأخذ ارزشمند به این حوزه مطالعاتی است. مسئله چگونگی استفاده از تاریخ و تبیین تاریخی مسئله اولیه هر پژوهشگری خواهد بود که نیازمند آشنایی با فنون تاریخ‌نگاران، تعامل با آنها و بهره‌گیری از پرسش‌ها و چارچوب‌های نظری خط‌مشی‌گذاری برای طرح سؤال از تاریخ است. محصول به دست آمده از پژوهش تاریخی که از مراحل توصیف، طبقه‌بندی و تبیین عبور کرده می‌تواند مأخذی برای گسترده کردن دید خط‌مشی‌گذار، یا الهام‌بخشی و حتی حرکت به سمت استفاده‌های عملی و مدل‌سازی باشد. به این منظور روش تاریخی - تطبیقی با تکثیر نمونه-های مورد مطالعه در ابعاد کلان و تعامل مستمر داده‌ها و نتایج تاریخی با نظریه‌های مرتبط با خط-مشی می‌تواند به حل مسائل عمومی که از سایر راه‌ها به نتایج مطلوب نرسیده‌اند، کمک قابل ملاحظه‌ای کند.

منابع

- آیین‌وند، صادق (۱۳۸۷)، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۸)، درآمدی بر تاریخ‌پژوهی، ترجمه مسعود صادقی، تهران: سمت.
- اسکاچپول، تدا (۱۳۹۲)، بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه سید هاشم آقاچری، تهران: نشر مرکز.
- الوانی، سیدمهدی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۸۷)، فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- امیری، علی‌نقی، حسن دانایی‌فرد، حسن زارعی‌متین، سید مجتبی امامی (۱۳۹۰)، «فهم جوهره خط-مشی‌های عمومی: واکاوی نظری ماهیت تقلیدپذیری خط‌مشی‌گذاران ملی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره پیاپی ۹، ص ۴۴-۵.
- اولیری، دلسی (۱۳۷۲)، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، ترجمه احمد آرام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بلانچارد، کن (۱۳۸۹)، هرم معکوس، ترجمه مهدی چمنزار، تهران: انتشارات رسا.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۵)، «تحلیل مبانی منطقی طراحی سیستم‌های خط‌مشی‌گذاری معطوف به عدالت: مقایسه آموزه‌های نهج‌البلاغه و برخی از مکاتب فلسفی سیاسی»، مدرس علوم انسانی، ش ۴۹، ص ۱۷-۴۲.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۹)، «پژوهش ابعاد حکمرانی اخلاقی در فحوای عهدنامه امیر(ع)»، فصلنامه النهج، سال هشتم، ش ۳۰، ص ۱۱۵-۱۳۲.
- توکل، محمد (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی علم، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- جعفرزاده، محمدحسن (۱۳۸۵)، جنبش نرم‌افزاری و تولید علم: با نگاهی به دیدگاه فرهنگستان علوم اسلامی، قم: نشر فجر ولایت.
- جمیلی، رشید (۱۳۸۵)، نهضت ترجمه در شرق جهان اسلام در قرن سوم و چهارم هجری، ترجمه صادق آیین‌وند، تهران: سمت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: نشر اسراء.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۳)، مکتب تفکیک، قم: دلیل ما.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۶)، «نظریه دیده‌بانی: فلسفه مضاف-تاریخی به مثابه نظریه تحول در علوم»،

اندیشه نوین دینی، سال سوم، ش ۱۰، ص ۹-۴۶.

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۱)، «مدیریت تحول در علوم انسانی»، دوماهنامه جشنواره فارابی، ش ۲۶.
<http://www.farabiward.ir/fa/module/journal/377-2199/>

دانش فرد، کرم‌الله (۱۳۸۹)، فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۱)، ما و تاریخ فلسفه اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۹)، تبارشناسی دیدگاه‌ها در زمینه دانش اسلامی، نگاهی تاریخی-اجتماعی، در: علم بومی، علم جهانی، امکان یا امتناع؟، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم، ص ۲۶۴-۲۸۷.

رز، ریچارد (۱۳۹۰)، یادگیری در پرتو خط‌مشی‌های عمومی تطبیقی: راهنمای کاربردی، ترجمه حسن دانایی فرد، منصور خیرگو، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.

رضائیان، علی (۱۳۸۷)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سمت.

رفاعی، احمدفرید (۱۹۲۷)، عصر المأمون، قاهره: مکتبه دارالکتب المصریه.

روزنتال، فرانتر (۱۳۸۵)، میراث کلاسیک اسلام، ترجمه علیرضا پلاسید، تهران: انتشارات طهوری.

زیدان، جرجی (۱۳۷۲)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
 ژیلسون، اتین (۱۳۸۹)، تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطی، ترجمه رضا گندمی نصرآبادی، تهران: سمت.

سوزنچی، حسین (۱۳۸۹)، معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

سیاهپوش، سیدابوتراب (۱۳۹۰)، بیت الحکمه و نقش آن در تحول علوم و پیشرفت تمدن اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۲)، درآمدی بر روش پژوهش مقایسه کیفی در مطالعات جامعه‌شناختی. قابل دسترس در:

<http://anthropology.ir/sites/default/files/%20تطبیقی.doc>

عش، یوسف (۱۳۷۲)، کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی (بین النهرین، سوریه و مصر)، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸)، «منطق پژوهش تطبیقی»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۳، ش ۴، ص

۹۹-۱۱۹.

فاخوری، حنا (۱۳۷۳)، تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

فخری، ماجد (۱۳۹۱)، سیر فلسفه در جهان اسلام، گروه مترجمان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 فرهنگی، علی اکبر، علی اصغر پورعزت و اعظم میرزمانی (۱۳۸۶)، «تحلیل علل شکست نظامی و فروپاشی تمدنی در حکومت‌های باستانی ایرانی بر اساس مدل دولت هوشمند (مورد مطالعه: سلوکیان، اشکانیان، ساسانیان)»، مدیریت نظامی، ش ۲۷، ص ۱۱-۶۴.

فروزنده، لطف‌الله (۱۳۹۱)، بنیاد تحول در علوم انسانی راه‌اندازی شود، در: خبرگزاری فارس، ۲۴ مهرماه.
 قلی‌پور، آرین و علی اصغر پورعزت (۱۳۹۰)، «تیین نهادی نحوه شکل‌گیری ساختارهای هیدرولیک در ایران»، مدرس علوم انسانی، دوره پانزدهم، تابستان شماره ۲.

قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: سمت.
 کرمر، جونل (۱۳۷۵)، انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی، ترجمه محمدسعید حنایی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

گوتاس، دیمیتری (۱۳۸۱)، نهضت ترجمه کتاب‌های یونانی به عربی در بغداد و جامعه آغازین عباسی (قرن‌های دوم تا چهارم/هشتم تا دهم)، ترجمه محمدسعید حنایی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 مکالا، سی‌بی‌ین (۱۳۸۷)، بنیادهای علم تاریخ، چپستی و اعتبار شناخت تاریخی، ترجمه احمد گل-محمدی، تهران: نشر نی.

منصوری، رضا (۱۳۸۹)، دانش بومی شاید، علم بومی خیر، در: علم بومی، علم جهانی، امکان یا امتناع؟، انجمن جامعه‌شناسی ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم، ص ۴۶۶-۴۷۳.
 موسوی، آرش (۱۳۸۷)، «توسعه تاریخی و مبانی معرفت‌شناختی روان‌شناسی علم»، روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۴، ش ۵۵، ص ۹۵-۱۱۱.

نیومن، ویلیام لارنس (۱۳۹۰)، شیوه‌های پژوهش‌های اجتماعی: رویکردهای کمی و کیفی (جلد دوم)، ترجمه حسن دانایی‌فرد و سیدحسین کاظمی، تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.
 هاوالت و رامش (۱۳۸۰)، مطالعه خط‌مشی عمومی، ترجمه عباس منوریان، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

هروی، جواد (۱۳۸۹)، روش پژوهش و پژوهش علمی در تاریخ، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- Asghari, Parastoo, Alireza Hosein Poor, Profissor Mir Mohammad Seied Abbas Zadeh(2012), "Relationship between self-management skills and organizational citizenship behavior of principals in girls' high school of Urmia", *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 31, p.852 – 855.
- Beddie, Francesca(2010), "Repackaging History for Policy Purposes", *National Centre for Vocational Education Research (NCVER)*.
- Brewer, Clay(2010), "Servant Leadership: A Review of Literature", *Online Journal of Workforce Education and Development*, Volume IV, Issue 2 – spring, p. 1-8.
- Dragolea, Laris and Cotîrlea, Denisa(2009), "BENCHMARKING-A VALID STRATEGY FOR THE LONG TERM?", *Annales Universitatis Apulensis Series Oeconomica*, 11(2), p. 813-826.
- Effland, Anne(2012), "Synergies of Past and Present: The Mutual Benefits of Policy History and Policy Analysis", *Agricultural History*, Vol. 86, No. 4, p. 192-205.
- Elmuti, Dean and Kathawala, Yunus(1997), "An overview of benchmarking process: a tool for continuous improvement and competitive advantage", *Benchmarking for Quality Management & Technology*, Vol. 4, No. 4, p. 24-229.
- Foo, Check-Teck(2007), "Epistemology of strategy: some insights from empirical analyses", *Chinese Management Studies*, Vol. 1, No. 3, p. 154-166.
- Graham, Otis L Jr(1983), "The Uses and Misuses of History: Roles in Policymaking", *The Public Historian*, Vol. 5, No. 2, p. 5-19.
- Grattan, Robert(2008), "Crafting management history", *Journal of Management History*, Vol. 14, Issue 2, p. 174 – 183.
- Gungwu, Wang(2007), *in: History as policy: framing the debate on the*

- future of Australia's defense policy, editors: Ron Huisken, Meredith Thatcher, Publisher: Canberra A.C.T.: ANU E Press.
- Hamilton, Nigel(2002), A Practical Guide to Policy Making in Northern Ireland, office of the First Minister and Deputy First Minister, www.ofmdmni.gov.uk.
- Hirsh, Richard F(2011), "Historians of Technology in the Real World: Reflections on the Pursuit of Policy-Oriented History", *Technology and Culture* , Vol: 52, No. 1, p. 6-20.
- Kaestle, Carl, *Testing Policy in the United States: A Historical Perspective*, Brown University. <http://www.gordoncommission.org>.
- King, William R. W.R. (Ed.). (2009), "Knowledge Management and Organizational Learning", *Annals of Information Systems 4, Springer Science+Business Media, LLC*, p.3-13.
- Savitt, Ronald (1980), "Historical in marketing", *Journal of Marketing*, Vol. 44, No. 4. p. 52-58.
- Kelley, Robert(1988), "The Idea of Policy History", *The Public Historian*, Vol. 10, No. 1, p. 35-39.
- Phillips, David(2014), "Comparatography, history and policy quotation: some reflections", *Comparative Education*, 50:1, p.73-83.
<http://www.aph.org.au/files/articles/repackagingHistory.htm>.
- Phillips, Paula and Carson Kerry D. Carson (1998), "Theoretically grounding management history as a relevant and valuable form of knowledge", *Journal of Management History*, Vol. 4, Iss 1, p. 29 – 42.
- Pierson, Paul(2005), "The Study of Policy Development", *Journal of Policy History* , Vol.17, Issue 01, p. 5-34.
- Postnote (Parliamentary Office of Science and Technology), (2009), Postnote: LESSONS FROM HISTORY Number 323.

- Reuss, Martin(1988), "The Myth and Reality of Policy History: A Response to Robert Kelleyn", *The Public Historian*, Vol. 10, No. 1, p. 41-49.
- Sharkansky, Ira(1995), "Policy analysis in historical perspective", *Journal of Management History*, Vol. 1 Iss 1, p. 47 – 58.
- Smith, Carol(2005), *Servant leadership: the leadership theory of Robert K. Greenleaf*, Info 640 – mgmt. of info. Orgs. Submitted December 4.
- Stearns, Peter N. and Joel A. Tarr(1993), "Straightening the Policy History Tree", *The Public Historian*, Vol. 15, No. 4, p. 63-67.
- www.parliament.uk/parliamentary_offices/post/pubs2009.cfm.
- Studler D.(2004), *Tabacco Control Policy Instruments in Shrinking World: How Much Policy Pearnig? Policy Learning beyond Regionmal, Cultural and political Boundaries*. E. In: E. Vigoda D. Levi-Feur. New York Marcel Decker.
- Van der Duin, Patrick. (2007), "Against history: the role of history in current Dutch society", *foresight*, Vol. 9, Iss 6, p. 11 – 21.
- Wolman H. a. P, Edwaed C. ED. (2000), *Learning from the experience of others: Policy Transfer among Local Regeneration Partnership*. York: Joseph Rowntree Foundation.
- <http://www.jrf.org.uk/sites/files/jrf/530.pdf>.